

پشت جبهه سلطنت گروگان

— سیزدهم —

شدت و حدت طرح هنری پرشت

امیرفیض- حقوقدان

در تحریرات پشت جبهه، مواردی از نفوذ و دایره عمل طرح هنری پرشت در مورد نیروهای مسلح خارج از کشور همچنین سازمان ها و مطبوعات ایرانی ارایه شد؛ اکنون به موردی اشاره مستند میشود که حتی کسانی از جمله افراد آمریکائی که نگران اوضاع ایران در سال ۵۷ بودند و میخواستند که در جریان کمک به بهبود اوضاع و حفظ اقتدار قانونی شاه و دولت برآیند بوسیله سفارت آمریکا به آقای هنری پرشت احاله میشدند، و در نتیجه قصد و اراده آنها برای کمک به بقای نظام قانونی کشور منتفی میگردد.

مطلبی که عرض شد از اسناد سفارت آمریکا که به وزارت امور خارجه آن کشور ارسال و در طبقه بندی در ردیف خیلی محرمانه قرار گرفته و دارای تاریخ پنجم دیماه سال ۵۷ برابر ۲۶ نوامبر سال ۱۹۷۸ است.

متن سند

۱- جرج ناتانسون یک تاجر آمریکائی است که در ایران ارتباطات خوبی دارد. روز سیزدهم و بیست و یکم دسامبر به سفارت آمد تا درباره افکاری که راجع به یک گروه مخفی برای حمایت از شاه دارد گفتگو کند.

او در بخش بازرگانی بعنوان یک گرداننده بزرگ شناخته شده است که با دربار رابطه دارد و با آزادی به شاهزاده اشرف و ملکه فرح مراجعه میکند؛ او در مرتبه اول (برت) مامور سفارت را دید و دفعه دوم برت و رامبراکیس کنسول سیاسی را ملاقات کرد، او یک عضو مشهور خانواده انوشیروان باتمانقلیچ است

۲- ناتانسون با عبارات گسترده بازرگانی و تجاری راجع به سازماندهی یک برنامه ضربتی از طرف شاه برای روابط عمومی و برای کارهای خوب اقتصادی جهت خنثی کردن آشوب صحبت میکرد
(۱)

آنها میخواستند باتهییه پول از منابع خصوصی پروژه های رفاهی واجتماعی نمایانی را در جنوب تهران و جاهای دیگر شروع کنند ودرمورد آنها تبلیغات راه بیاندازند.

۳- ناتالسون این نکته را تذکر میدهد که وی بدنبال همکاری ویا حمایت ایالات متحده نیست (۲) ولی تماس مجدد را با سفارت حفظ خواهد کرد. کنسول سفارت آمریکا، تصریح نمود که در هیچ حالتی نباید اقدامات ناتالسون، به درگیری دولت ایالات متحده ویا نمایده آن تعبیرشود.....

باتمانقلیج درنظر دارد درچند روز آینده مسافرتی به ایالات متحده داشته باشد واگرمایل باشد با هرکسی از دولت ایالات متحده تماس بگیرد؛ اسم پرشت (هنری پرشت) را دروزارت خارجه دارد ما فکر کردیم عاقلانه است که او را دراین جهت هدایت کنیم (۳).

او، ناتالسون ازآمریکائی ها وافرادى نام میبرد که خیلی از آنها کارهای مخفی درسابقه شان وجود دارد از قبیل گری گوری لیما - بروس مک نلی - بیل - خسرو - ایلرز - ایرانی - امیر دولتشاهی وحتی روزنامه نگار محلی انگلیسی جیمز اندرود میباشند.

نظریه- سفارت نظریه زیر را بضمیمه به وزارت خارجه آمریکا میفرستند

این موضوع صراحتا چیزی مثل کوشش آماتوری برای تکراروضع ۱۹۵۳ است.....

ما مشکوکیم که اوبتواند خیلی سازماندهی کند، ولی اگر او اینکار را بکند تلاشهایش بنظرخواهد رسید که با برخی نظارت های دقیق سفارت حکم میکند..... بنابراین اگر باتمانقلیج با اوتماس بگیرد پیشنهاد میکنیم پرشت تلاشهای او را به جاهائی هدایت کند که خطر احتمالی برای وجهه ایالات متحده در این مرحله ازبازی را به حد اقل برساند (۴).

(جلد ۲۶ اسناد سفارت صفحه ۹۴)

دستآورد سند بالا

تاریخ سند حکایت دارد ازاینکه درآن زمان هنوز طرح هنری پرشت دروزارت خارجه آمریکا بتصویب نرسیده بود ولی سیاست آمریکا برعلیه شاه مطرح وسفیر آمریکا درایران (سالیوان) کاملا از آن آگاه بوده است وحتی میدانسته که طرح هنری پرشت دروزارت خارجه آمریکا بوسیله چه کسی پیگیری میشود که اسم آن شخص که هنری پرشت بوده را در اختیار ناتالسون میگذارد.

اقدامات ناتالسون آنطور که سند نشان میدهد هیچ ارتباطی به آمریکا نداشته است وخود ناتالسون هم گفته که بدنبال حمایت وهمکاری با آمریکا نیست.

ناتالسون شخص نا آگاهی نبوده و آنطور که سند میگوید درکارهای مخفی سابقه دار و دارای همکارانی هم بوده؛ عبارت او مبنی براینکه <بدنبال همکاری وحمايت آمریکانست> به این معناست که با سیاست آمریکا درمورد شاه موافق نیست وبه همین جهت انتظار حمایت هم ازسوی آمریکارنداشته؛ و اظهار او دایر براینکه <تماسش را باسفارت حفظ خواهد کرد> نشانی از مقید

بودن به تصمیم وزارت خارجه آمریکاست و نمیتواند دلیلی باشد که ناتالسون میخواست خود را درمقابل سیاست آمریکا نسبت به شاه ایران قرار بدهد.

ناتالسون با دربار ایران و خانواده سلطنت آشنا و طرفدار تداوم سلطنت شاه بوده است، و با نیروی مادی و همکاران اداری و سیاسی و فنی که داشته قصد مقابله آرام و مدنی با آشوبگران داشته که متضمن برنامه هائی بوده که مردم جنوب تهران به احساسات ملی و منافع بیشتر تجهیز شوند، کار و استراتژی که در جامعه ایرانی با سابقه و بسیار سودمند بوده است چیزی که سفیر آمریکا آنها الگوی تظاهرات ۲۸ مرداد میداند.

نگاه اجمالی نشان میدهد که طرح ناتالسون خیلی نزدیک به طرح انقلاب مخملی و یا رنگی بنیاد سوروس است.

جدول مقایسه

جدول زیر تشابه برنامه ناتالسون را با انقلاب مخملی سوروس نشان میدهد:

| ناتالسون | سوروس |
|---|---|
| ناتالسون هم بازرگان آمریکائی ثروتمند بود | سوروس یک آمریکائی ثروتمند بوده |
| ناتالسون هم بطور مستقل و بدور از سیاست امریک عمل میکرد | سوروس و بنیاد او مستقل از دولت آمریکا عمل میکرده است |
| ناتالسون هم که میخواست بطور مخفی برنامه خود را اجرا کند و دارای یاران و همکاران ایرانی مانند آقایان امیر دولت شاهی و باتمانقلیچ و ایرانی بوده است | سوروس همکاران ایرانی که بصورت مخفی با او کار میکرده اند داشته مانند هاله اسفندیاری، کیان تاجیخ و رامین جهانگل (ویکی پدیا) |
| دقیقا برنامه ناتالسون هم همین بوده است | برنامه فعالیت سوروس تعقیب برنامه بدون خشونت در مقابل افراتیون بوده است |

اسناد سفارت نشانی از مذاکرات آقای باتمانقلیچ با هنری پرشت ندارد ولی همینکه دیگر نامی از او در میان نیست علامت آن است که او از سیاست سفت و سخت آمریکا علیه شاه و به حمایت از شورشیان آگاه و همچنین در جریان تصمیم گیری برای طرح هنری پرشت بوده است که کاملا کنار کشیده است.

سفیر آمریکا در گزارش خود جمله ای را عنوان کرده که بسیار با اهمیت و نشان گر علت حواله دادن انوشیروان باتمانقلیچ به آقای هنری پرشت رئیس میز ایران در وزارت خارجه آمریکاست و آن حفظ وجهه آمریکاست؛ عبارت سند چنین است:

خطر احتمالی برای وجهه ایالات متحده در این مرحله از بازی را به حداقل برساند.

یعنی وجهه آمریکا در ایران برمنبای مخالفت و دشمنی آمریکا با شاه ایران پایه ریزی شده است و اگر یک آمریکایی با گروهی بمنظور جلوه دادن حقایق پیشرفت های رفاهی ایران و بیدار کردن گروهی از ایرانیان عقل باخته و آخوند زده برآیند، وجهه سیاسی آمریکا در خطر خواهد افتاد. کدام وجهه؟

وجهه ای که بازرگان - میناچی - امیرانتظام - ابراهیم یزدی و دیگران به کرات از آمریکا خواسته بودند که با سلب حمایت از شاه وجهه سیاسی جدیدی برای آمریکا تحصیل کند.

بنابراین وجهه منفوری که جمهوری اسلامی در جهان امروز عملاً از خود نشان میدهد این وجهه را آمریکای زمان کارتر برای خود و جمهوری اسلامی بوجود آورده است، میتواند آمریکا را در همه جنایات جمهوری اسلامی شریک و معاون آن اقدامات قرار دهد.

سنگ رابسته و سگ را گشوده

آمریکا علیرغم داشتن قرارداد حمایت و روابط دوستی با ایران شاهنشاهی دقیقاً ضرب المثل <سنگ را بسته و سگ را گشوده اند> را بکار بسته و هنوز هم آنرا ادامه میدهد؛ یعنی مبارزه سلطنت طلبان و شاه آنها را با قدرت سیاسی و عملی که دارد متوقف و متلاشی ساخته و آسایش لازم را برای فعالیت سگها فراهم ساخته است.

آیا ۴۰ سال کافی نیست

کمترموردی را میتوان در تاریخ جهان یافت که یک تصمیم نابحق و فضولی مآبانه کشوری نسبت به کشوردیگری تا این مدت مدید، ادامه داشته باشد که تصمیم وزارت خارجه آمریکا نسبت به تحریم سیاسی فعالیت اعلیحضرت حیات سیاسی و اجرایی خود را حفظ کرده است.

تنها نمونه ای که میتوان ارائه داد تحریم کوبا است که در سالهای پنجاهمین تحریم به سوی تجدید نظرهای کشیده شده است؛ ولی بحران کوبا که سبب تحریم کوبا باشد با حمایت آمریکا از شورش ۵۷ و لاجرم تحریم سیاسی اعلیحضرت بکلی متفاوت است. چرا باید تحریم سیاسی اعلیحضرت و بطور کلی فعالیت های سلطنت طلبی از چهل سال پیش تاکنون که برپایه یک اشتباه سیاسی و برخلاف سیستم حقوقی آمریکا ایجاد شده است کماکان برقرار و متنفذ باشد؟